

تفرقه در جبهه ملی زمینه‌ساز کودتا

۲۴ مرداد ۱۳۹۵ ساعت ۱۲:۰۴

شکافی که در وحدت جبهه ملی ایجاد شد، باعث شد بسیاری از افراد و گروه‌هایی که در نهضت ۳۰ تیر حامی و وفادار به مصدق بودند، در ماجرای کودتا در حمایت از او سکوت کرده و از این طریق پایان دولت مصدق را با کودتایی سیاه، رقم زنند.

جوان و تاریخ- مقالات



کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، پیش از آنکه به مانند بسیاری از حوادث سیاسی و تاریخی، اتفاقی سیاسی در تاریخ معاصر کشورمان باشد، یادآور خیانت و دخالت قدرتهای خارجی در وقوع آن است. گرچه نقش عوامل خارجی در این کودتا انکارناپذیر است، اما واقعیت این است که عوامل داخلی نیز در موفقیت کودتا بیتأثیر نبودند. به عبارتی قدرتهای خارجی، به کمک عوامل داخلی توانستند سریع تر اهداف خود را عملی سازند. از جمله این موارد میتوان به تفرقه و شکاف در جبهه ملی اشاره نمود که در نهایت به شکست مصدق منجر گردید. اعضای جبهه ملی تا زمانی که متحد بودند توانستند در کنار نیروهای مذهبی به پیروزیهایی چون قیام ۳۰ تیر دست یابند، اما بروز اختلاف و دودستگی، باعث شد تا عوامل کودتا با سواستفاده از آن وضعیت، به راحتی به اجرای نقشه خود بپردازد که در این مطلب کوتاه به شرحی مختصر از این موضوع و نقش آن در تسریع کودتا اشاره می‌گردد.

جبهه ملی و نقش آن در پیروزیهای سیاسی

جبهه ملی مهم‌ترین جریان سیاسی در ایران می‌باشد که تحت عنوان ملی‌گرایی تشکیل گردید. این جنبش برای اولین بار توسط

گروهی ۱۸ نفره به رهبری دکتر مصدق در اعتراض به انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی تشکیل شد. جبهه ملی به دلیل مواضع ملی گرایانه در رابطه با بسیاری از حوادث سیاسی از جمله نفت، توانست به سرعت حمایت بخش مهمی از نیروهای مردمی و مذهبی را جلب نماید. این حمایت و همبستگی در حادثه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که منجر به بازگشت مصدق به قدرت گردید، به اوج خود رسید. علاوه بر حمایت گروههای ملی- مذهبی، بخش مهمی از این پیروزی نیز به وحدت اعضا و رهبران جبهه ملی بازمی گشت. اما بعد از پیروزی قیام ۳۰ تیر به تدریج اختلافاتی در بدنه حزب آغاز گردید که البته قبل از آن نیز وجود داشت اما بعد از این حادثه آشکار شد. ثمره سنگین این اختلافات این بار کودتای ۲۸ مرداد و شکست مصدق بود. در واقع میتوان گفت: تفرقه و نفاق در صف رهبران جبهه ملی در کنار عواملی چون متوقف شدن فعالیت مجلس شورا، درگیری های خیابانی و اعتصابات کارگری که حزب توده به راه می انداخت، همه و همه دست به دست هم دادند و به ایجاد زمینه های کودتا کمک کردند. ۱

البته بخشی از این اختلافات، توسط بریتانیا و با بهره گیری از عوامل داخلی جهت نفاقافکنی بین سران جبهه ملی آغاز شده بود. بعد از پیروزی ملت در ۳۰ تیر ۳۱ انگلیسیها دریافتند که در شرایط وحدت نظر ملت تغییر نخست وزیر و دولت مفید فایده نیست باید کل نهضت کوبیده شود... از این رو در این خصوص برنامه ریزی کردند و در داخل کشور با کمک ایادی خود بر اختلافات دامن زدند. ۲

در این رابطه سرمایه گذاری انگلیس بر شبکه های به نام MIF بود. « MIF شبکه ای قدیمی و غیرنظامی به سرکردگی سه برادر تاجر شامل اسدالله، سیف الله و قدرت الله رشیدیان را در اختیار داشت. » ۳ این شبکه، نقش مهمی در دامن زدن بر اختلافات درون حزبی جبهه ملی ایفا نمود.

بنابراین، اختلافاتی که میان رهبران اصلی جبهه ملی پیش از سی تیر آغاز شده بود، به ویژه اختلاف نظر آیت الله کاشانی و مصدق و همچنین اختلافات بقایی، مکی، شمس قنات آبادی و مصدق و همچنین شکافهایی که توسط سرلشکر فضل الله زاهدی ایجاد شد، پس از رویدادهای سیاسی آن روزها ۴ و با کارشکنی و دسیسه عوامل داخلی و خارجی آشکار شد.

مکی از جمله نمایندگان تهران در دو دوره مجلس هفدهم و از یاران و نزدیکان مصدق بود. وی در جریان قیام ۳۰ تیر نقش مهمی در حمایت از مصدق و تغییر وضعیت به نفع او داشت اما بتدریج برخی از اقدامات مصدق سرآغاز شکاف و اختلاف میان وی و مصدق گردید و باعث شد تا او ارتباط خود را با دکتر مصدق قطع کند. وی بعد از جدایی از حزب، با آیت الله کاشانی و بقایی به همکاری پرداخت.

علاوه بر مکی، مظفر بقایی نیز از زمره یاران مصدق و از بنیانگذاران جبهه ملی بود که بعد از سی تیر ۱۳۳۱ کاملاً تغییر رویه داد و -با بروز اختلاف میان او و دکتر مصدق، از جبهه ملی فاصله گرفته و با تأسیس حزب زحمتکشان، نه تنها از جبهه ملی فاصله می گیرد بلکه به صف مخالفان مصدق و جبهه ملی، ملحق میگردد. بقایی بعد از این اتفاقات، تا کودتای ۲۸ مرداد به یکی از سرسخت ترین مخالفان مصدق تبدیل میشود.

خلیل ملکی نیز از دیگر افراد تشکیل دهنده جبهه ملی بود که به دلیل اختلاف با بقایی از حزب جدا گردید. وی در برخی از وارد با دکتر مصدق نیز اختلافاتی داشت، اما با وجود مخالفتش، تا پایان عمر به مصدق وفادار ماند. با این حال اختلاف او با سایر اعضای جبهه ملی باعث بیرون رفتن وی از حزب و نهایتاً تشکیل حزب زحمتکشان نیروی سوم بود که به نوعی در انشعاب و واگرایی جبهه ملی تأثیر بسیاری داشت. در واقع آرامش نسبی بعد از حوادث سیتیر ۱۳۳۱ بسیار کوتاه مدت بود. مخالفین فعال دکتر مصدق به دنبال آن بودند که با استفاده از تحریک اکثریت خاموش مجلس، در مقابل او بیاستند.

البته دکتر مصدق نیز نتوانست در برابر اختلافات داخلی جبهه ملی، موضع مستحکمی اتخاذ نماید و این موضوع در وحدت عمل حزب و به تبع آن اتخاذ تصمیمی قاطع در برابر کودتا، تأثیر مستقیمی داشت. بدین ترتیب موضع ضعیف و گاه اشتباه مصدق در برخی مسائل سیاسی، باعث تفرقه در جبهه ملی گردید و صفوف نهضت در زمان کودتای ۲۸ مرداد به کلی از حرکت باز ایستاد و منتظر ماند تا نهضت خودش را بکلی قلع و قمع کنند. در واقع واگرایی، تفرقه و تبدیل دوستان به دشمنان، ضربه نهایی را بر پیکره حزب وارد و در بحرانیترین مرحله تاریخ سیاسی ایران، باعث شکست جبهه ملی گردید.

شکافی که در وحدت جبهه ملی ایجاد شد، شکافی جبران ناپذیر بود که تنها به داخل حزب محدود نماند بلکه در جبهه حامیان مصدق نیز رخنه کرده و باعث شد بسیاری از افراد و گروههایی که در نهضت ۳۰ تیر حامی و وفادار به مصدق بودند، در ماجرای کودتا در حمایت از او سکوت کرده و از این طریق پایان دولت مصدق را با کودتایی سیاه، رقم زنند.

پی نوشتها:

۱- علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، تهران، نشر قومس، چاپ ششم، ۱۳۸۴، ص: ۲۳۸.

۲- سیدجلالالدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، چاپ هفدهم، ۱۳۹۱: ص: ۵۱۴.

۳- آبراهامیان، پروانه؛ (۱۳۹۳) کودتا ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن، تهران: نشر نی، ص: ۲۱۵.

۴- مسعود حجازی، رویدادها و دآوری: ۱۳۳۹-۱۳۲۹، خاطرات مسعود حجازی، ج ۱، تهران: ۱۳۵۷، ص: ۴۴۸.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۱۱۱۷/کودتا-ساز-زمینه-ملی-جبهه-تفرقه>